



زنان به روایت سلجوقنامه ظهیری نیشابوری

مهدیه رستگارفرا^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

تاریخ ایران پس از اسلام با ظهور سلجوقیان در قرن پنجم شاهد قدرت یافتن و حضور زنان در فعالیتهای سیاسی است. کثرت حضور زنان سلاجقه در امور سیاسی و اجتماعی نسبت به زنان دوران قبل از آنها یک استثنا است. منابع تاریخی دست اول این دوره بر مشارکت زنان در سیاست و حضور آنها در اجتماع مهر تایید می زنند. سلجوقنامه ظهیری نیشابوری از جمله این تاریخنگاری هاست. در این مقاله با تمرکز بر بررسی سلجوقنامه ظهیری نیشابوری به پاسخ این پرسش که به زنان سلجوقی تا چه اندازه و به چه شکل در یک منبع تاریخی عصر سلجوقی پرداخته شده می پردازیم.

کلمات کلیدی: زنان، سلجوقنامه ظهیری نیشابوری، ازدواج های سیاسی



مقدمه

سلجوقیان سلسله ای مسلمان، غیر بومی و مهاجر از ترکان ماوراءالنهر بودند که توانستند با شکست رقبا بر مناطق شرقی ایران تسلط یابند و کم کم چتر حاکمیت خود را بر سایر مناطق ایران بگسترانند. خاستگاه قبیله ای آل سلجوق باعث شد زنان در این دوران از پس پرده ها بیرون آمده قدرت و مقام یابند به حکومت برسند و یا به طور مستقیم یا غیر مستقیم در سلطنت با شوهران یا فرزندان خود شریک شوند (بیانی، ۱۳۸۲: ۱۴)

کتاب سلجوقنامه ظهیری نیشابوری یکی از منابع مهم و تاریخی قرن ششم است که اطلاعات خوبی درباره ی تاریخ سلجوقیان به دست می دهد. مورخ سلجوقنامه روایت تاریخی خود را از عصر سلجوقی به اختصار بیان کرده و سعی کرده از پرگویی و شاخ و برگ دادن به حوادث پرهیزد. اگر چه حجم این کتاب به نسبت تاریخ حدوداً ۱۶۰ ساله سلطنت سلجوقیان در ایران اندک است اما از میان همان جملات مختصر و اشارات کوتاه هم می توان به حضور زنان سلجوقی در سیاست روزگار خود پی برد. شاخص بودن دوران سلجوقی از نظر حضور زنان دربار در مسایل سیاسی و اجتماعی نسبت به دوره های پیشین، پژوهشگرانی را به سمت تحقیق در این زمینه سوق داده است. برای مثال مقاله ای با عنوان **نقش زنان دربار در سیاست مذهبی دوران سلجوقی، خوارزمشاهی و ایلخانی** توسط حمیده دانشجو به چاپ رسیده که به تحولات مذهبی و سیاست های مذهبی زنان می پردازد. در مقاله ی **مشارکت سیاسی خاتون ها در دولت سلجوقیان ایران**، طاهره رحیم پور ازغدی و فریبا علاسوند به چگونگی مشارکت سیاسی زنان سلجوقی می پردازند و از منابع مختلف دوران سلجوقی و کتب پژوهشی مربوط به آن دوران استفاده می کنند. از سوی دیگر مقالاتی نیز به طور ویژه به سلجوقنامه ظهیری می پردازند از جمله **نزاع قدرت در حکومت سلجوقی به روایت سلجوقنامه ظهیری نیشابوری**، به قلم رسول جعفریان و مریم کمالی که کتاب سلجوقنامه را از جنبه های دیگری غیر از زنان مورد بررسی قرار میدهند. و هیچ کدام به طور ویژه به بررسی حضور زنان در سلجوقنامه پرداخته اند. از شرح زندگی ظهیری نیشابوری اطلاعات چندانی در دسترس نیست. اسماعیل افشار در مقدمه کتاب سلجوقنامه از قول راوندی می گوید که او معلم دو تن از سلاطین سلجوقی یعنی طغرل و مسعود بوده است. کتاب او یعنی سلجوقنامه مرجع ما برای بررسی جایگاه و کارکرد زنان در دوران سلجوقی است. البته نباید از نظر دور داشت زنانی که در سلجوقنامه از آنها یاد شده زنان طبقات بالای اجتماع در آن دوران هستند. و به زنان طبقات متوسط و پایین جامعه اشاره ای نشده است. بیشتر زنانی که در سلجوقنامه از آنها یاد شده است خاتون های قدرتمند و پرنفوذی بودند که توانسته اند بخشهایی از صفحات این کتاب تاریخی مختصر را به خود اختصاص دهند.

زنان سلجوقنامه

چنانکه پیشتر ذکر آن رفت سلجوقنامه کتاب کم حجمی است اما نویسنده اش سعی کرده افراد و حوادث مهم را نادیده نگیرد از این رو در کنار نام مردان، هر چند به تعداد کم اما به اسامی زنان برجسته و مهم نیز برمی خوریم. در این میان خاتون های



قدرتمندی توانسته اند خود را از زیر سایه سنگین و پرشمار مردان بیرون بکشند و در صحنه سیاست، مشارکت داشته باشند. به این شکل که از حدود ۳۳۸ شخصیت موجود در کتاب که نقش های این روایت تاریخی را ایفا می کنند و مورخ از آنها نام برده و یا به ذکر اعمال آنها پرداخته به نام ۲۰ زن بر می خوریم. این زنان همگی زنان خانواده های سلطنتی و در مواردی زنان خانواده خلیفه هستند. از آنجایی که مورخ کتاب بیشتر به تاریخ سیاسی و نظامی سلجوقیان می پردازد از زنان نیز بیشتر با کارکردهای سیاسی شان یاد شده است و به نقش های مذهبی، اجتماعی و امور خیریه آنها پرداخته نشده است.

حضور خواتین سلجوقی در عرصه سیاست یا مستقیم بود که از طریق اعمال نفوذ به عنوان ملکه مادر یا همسر سلطان در عزل و نصب وزرا و تعیین ولیعهد و یارگیری سیاسی از میان امرا و بزرگان برای نیل اهداف خود تحقق می یافت و یا به شکل غیر مستقیم در ازدواج های سیاسی با سایر خاندان های سلطنتی و بزرگان و خلفا شکل می گرفت.

در مواردی خواتین و زنان درباری سلجوقی با درایت خود سعی در حفظ سلطنت خویشان خود می کردند و در این راه از ثروت شخصی خود هزینه می کردند. ظهیری در شرح سلطنت کوتاه ملکشاه بن محمود به این چنین موردی اشاره می کند که ملک نسب خاتون، خواهر ملکشاه برای کمک به برادرش خروارهای زر و سیم از اصفهان به طرف خوزستان محل حضور ملکشاه می برد تا او بتواند سپاهی جمع آوری کند و سلطنت خود را پس بگیرد. هر چند که این اموال در راه توسط سپاه سلطان محمد غارت می شود. (ظهیری، ۱۳۳۲: ۶۶)

ابتدا به زنانی می پردازیم که ظهیری به حضور مستقیم آنها در حکومت سلجوقی اشاره کرده است.

اینانج خاتون (قتیبه خاتون)

یکی از زنانی که نام او در سلجوقنامه ذکر شده است و مورخ چندجا از او می گوید اینانج خاتون است دختر اینانج والی ری که به همسری اتابک محمد در آمد و مادر قتلغ اینانج است و در کتاب ذکر شده که پس از مرگ همسرش اتابک محمد، اتابک قزل ارسلان او را به نکاح خود در آورد. و پس از مدتی قزل ارسلان در همدان کشته می شود ظهیری از چگونگی قتل او سخن نمی گوید اما راوندی در راحه الصدور می گوید قزل ارسلان به تحریک اینانج خاتون و خلیفه در حالی که مست خفته بود به قتل رسیده است (راوندی، ۱۳۶۴: ۳۶۳) راوندی هم چنین می گوید که این خاتون تمایل به وصلت با امیر و یا سلطان محلی داشت و چنین برداشت می شود که دلیل این تمایل او این بود که به این ترتیب قدرت خود را حفظ کند و حتی به دلیل شور کسب قدرت بیشتر وصلت با قزل ارسلان که پس از اتابک محمد قدرت یافته بود او را تا حدی به هدف می رساند. پس از نبرد قتلغ اینانج با سلطان طغرل سلجوقی و شکست او، مادرش به عقد سلطان طغرل در می آید. به نظر می رسد این زن از قدرت و نفوذی به خصوص بر قتلغ اینانج برخوردار بوده است و چنانکه ظهیری ذکر کرده در موارد مختلف همراه او بوده است «درینوقت قتلغ اینانج با مادر خود خاتون به ری آمد از پیش لشکر خوارزم به قلعه سرجهان پناهی»



ظهیری، ۱۳۳۲: ۹۰) و احتمالاً به دلیل همین نفوذ و قدرت و نیز جاه طلبی های او بوده است که سلطان طغرل او را به عقد خود در می آورد تا او را تحت کنترل خود در آورد.

ترکان خاتون همسر ملکشاه سلجوقی

در سلجوقنامه به سه زن با نام ترکان خاتون برمی خوریم، ترکان خاتون همسر الب ارسلان، ترکان خاتون همسر سلطان سنجر و ترکان خاتون همسر ملکشاه که از سایرین معروف تر و شناخته شده تر است. و ظهیری از او نسبت به سایرین بیشتر سخن گفته است، چه اینکه او نقش سیاسی پررنگ تری در دوران خود ایفا کرده بود و در دربار همسر نفوذ داشت و به طور مستقیم در سیاست دخالت می کرد. به خصوص چنانکه مورخ می گوید در بحث جانشینی ملکشاه سعی می کند فرزند خود محمود را علی رغم سن بسیار کمش به جای فرزند بزرگتر ملکشاه به عنوان ولی عهد از طرف دربار معرفی کند و همین عامل اختلاف او با خواجه نظام الملک وزیر می شود زیرا نظام الملک خواهان ولیعهدی برکیارق بود. ظهیری در جایی از کتاب از قدرت و نفوذ ترکان خاتون به این شکل یاد می کند که بدگویان و بدخواهان خواجه برای کسب رضایت ترکان خاتون، با بدگویی از نظام الملک خشم سلطان را نسبت به او برانگیختند. (همان: ۳۳) بنابراین کسب رضایت این خاتون به دلیل قدرت او در دربار منافی برای امرا و درباریان در پی داشته که حاضر به تقابل با وزیر قدرتمند سلطان شدند. تمایل ترکان خاتون در کسب قدرت بیشتر از طریق جانشینی فرزندش به حدی بود که پس از مرگ ملکشاه از خلیفه درخواست کرد به نام پسرش خطبه بخواند و او را جانشین ملکشاه بنامد. در این راستا با خلیفه مقتدی معامله ای میکند که در ازای برگرداندن پسر خلیفه نزد او که نوه ملکشاه هم بود و ترکان خاتون برای او دارالخلافه در اصفهان برپا کرده بود، پسرش را به جانشینی به رسمیت بشناسد و به نام او خطبه بخواند که موفق هم شد. ترکان خاتون برای پیشبرد مقاصد خود بسیار هزینه می کرد و از اموالش به امیران بخشش می کرد تا به این ترتیب خطر دشمنان را دفع کند. (همان: ۳۶)

مادر سلطان ارسلان بن طغرل

این خاتون از زنان متنفذ سلجوقی بود و با وجود اینکه پس از مرگ پدر ارسلان به عقد اتابک ایلد گز درآمد و از او هم دوفزند داشت اما در دوران سلطنت پسرش ارسلان او را تنها نگذاشت و در موارد مختلف به فرزند یاری می رساند. ظهیری در سلجوقنامه به موردی اشاره می کند که این خاتون برای حفظ سرزمین های تحت حکومت سلطان ارسلان وقتی متوجه می شود که ملک آبخاز قصد عصیان دارد و ممکن است قدرت سلطان سلجوقی را به چالش بکشد در زمستان رنج سفر به جان می خرد و از آذربایجان به سمت همدان که سلطان در آنجا اقامت داشت حرکت می کند تا او را از آنچه در جریان است باخبر کند و چاره ای بیندیشند. او در لشکرکشی سلطان به جانب آبخاز هم همراه او حضور داشت. و چنانکه راوندی می گوید در این جهت کمکهایی هم به سپاه سلطان کرده آنها را حمایت می کند. ظهیری با توصیفی کوتاه میزان قدرت و نفوذ و



درایت این بانو را در توضیحات سوگواری فوت او این چنین بیان می کند: گویی نظام آن مملکت و قوام آن دولت به بقا آن خاتون بود. (همان، ۸۲)

ازدواج سیاسی زنان

ایجاد پیوندهای زناشویی و خویشاوندی میان طوایف و خاندان های مختلف به عنوان رسمی که می توانست کدورت ها را از میان بردارد و صلح و ثبات به ارمغان بیاورد و دوستی ها را تحکیم بخشد از دیرباز رایج بود به خصوص میان خاندان های حکمرانان که چنین پیوندهایی بیشتر هم احساس می شدو به کار سیاست می آمد. سلجوقیان نیز از این امر مستثنی نبودند. در خلال روایت تاریخی ظهیری نیشابوری از تاریخ آل سلجوق می توان وجود چنین وصلت های زناشویی با کارکرد سیاسی را مشاهده کرد. برخی از این ازدواج ها ثروت خوبی را برای زنان به همراه داشت زیرا آنها معمولاً با مهریه هایی قابل توجه به خانه بخت می رفتند. حضور زنانی که در پی این ازدواج ها وارد دربار می شدند می توانست راهی باشد که اعضای خاندانشان در دربار نفوذ داشته باشند. در موردی ظهیری توضیح می دهد که حاجب دربار سلطان محمد بن محمود سلجوقی به نام خوارزمشاه یوسف از طریق خواهرش که همسر سلیمان شاه بود توانست به سلیمان شاه القا کند که امرا و بزرگان درصدد شورش برضد او و خواهان بازگشت سلطان محمد هستند بدین ترتیب او از شهر بگریخت و فرصتی مجدد برای سلطان محمد فراهم شد.

وصلت میان خاندان های بزرگ و سلاطین

در دوره سلجوقیان ازدواج های سیاسی میان خانواده های سلاطین و حکمرانان راهی بود برای دست یافتن به اهداف سیاسی یا اجتماعی آن خانواده ها و زنان گاهی ابزاری می شدند برای حفظ صلح و یا تقویت پیوندهای سیاسی و یا کسب قدرت و مشروعیت بیشتر. از جمله این ازدواج ها که در سلجوقنامه به آنها اشاره شده است می توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ازدواج دختر بقراط کیوار با سلطان الب ارسلان در پی حمله و کشور گشایی الب ارسلان در منطقه آبخاز به عنوان راهی برای صلح و ابراز اطاعت بقراط نسبت به سلطان. و به لطف این وصلت بقراط توانست بار دیگر حکومت آن منطقه را به دست آورد.

- ازدواج دختر سلطان مسعود با ملک محمد. سلطان مسعود ملک محمد را ولیعهد خود کرد و دخترش را به عقد ملک محمد درآورد. بدین ترتیب ولیعهد حمایت شخص سلطان را بیشتر کسب می کرد.

البته به نظر می رسد که تمامی این ازدواج ها از طرف مردان قدرت به زنان تحمیل نمی شد و آنطور که ظهیری می گوید در مواردی از سر سیاست زنانه و حتی به پیشنهاد خود زنان بوده است برای مثال ترکان خاتون بیوه ملک شاه برای اینکه ملک اسماعیل دایی برکیارق را به جهت نابودی وی با خود همراه سازد به او پیشنهاد ازدواج می دهد به شرط اینکه خواهر زاده اش برکیارق را بکشد. (ظهیری، ۱۳۳۲: ۳۶)



لزوم چنین ازدواج‌هایی و حفظ چنین پیوندهایی گاهی چنان لازم مینمود که اگر زنی در خانه شوهر وفات می‌یافت برای حفظ روابط سابق دختری دیگر از خاندان او جایگزینش می‌کردند. از همین روی وقتی ملکه خاتون همسر هفده ساله سلطان محمود بن محمد بن ملک‌شاه و دختر سنجرفوت کرد، سنجر خواهر او، سستی خاتون را به عقد محمود در آورد (همان، ۵۳). ازدواج سیاسی لزوماً به ازدواج دختران محدود نبوده در مواردی بیوه زنان که مادر، همسر و یا دختر سلطان یا امیری بودند هم شامل این ازدواج‌ها بودند مثل:

- ازدواج اینانج خاتون مادر قتلغ اینانج با سلطان طغرل که یکی از این دست ازدواج‌هاست و احتمالاً به جهت به کنترل در آوردن وی و محدود کردن قدرت و جاه‌طلبی او و فرزندانش صورت گرفت.
- همچنین ازدواج مادر سلطان ارسلان پس از مرگ همسرش سلطان طغرل بن محمد با اتابک ایلدگز نیز قابل ذکر است. ازدواج با مادر شاهزاده و تربیت و نگهداری شاهزاده می‌توانست باعث افزایش قدرت و نفوذ اتابک شود.

وصلت با خلفا

سلجوقیان مسلمانان سنی مذهب بودند بنابراین نیازمند روابط قوی با دستگاه خلافت بودند تا مشروعیت لازم را برای سلطنت خود کسب کنند از سوی دیگر خلفا هم که تسلط آل بویه و تضعیف قدرت را بر خود تجربه کرده بودند و قدرتشان از جانب اسماعیلیان هم تهدید می‌شدند به پشتیبانی سلاطین قدرتمند سلجوقی نیاز داشتند. بنابراین تحکیم روابط میان این دو نهاد اهمیت داشت و یکی از راههای حفظ و تحکیم این روابط برقراری پیوند زناشویی میان اعضای خانواده سلاطین و خلفا بود. ظهیری به چند نمونه از این ازدواج‌ها در سلجوقنامه اشاره می‌کند. از جمله:

- ازدواج خواهر خلیفه القائم (برخی منابع از جمله ابن اثیر و زبده التواریخ او را دختر خلیفه می‌دانند) با سلطان طغرل بیک. این ازدواج به اصرار سلطان و به جهت تحکیم روابط سلطان سلجوقی با خلیفه عباسی انجام شد اگر چه خلیفه در ابتدا به این امر رضایت نمی‌داد اما در نهایت به تدبیر عمیدالملک وزیر سلطان و با فشار به دستگاه خلافت این ازدواج سرگرفت.
- ازدواج مهملک خاتون دختر سلطان ملک‌شاه با المقتدی خلیفه عباسی. حاصل این ازدواج پسری به نام جعفر بود که در اصفهان برایش دارالخلافه تاسیس کردند و او را امیرالمومنین خطاب میکردند. و ترکان خاتون همسر ملک‌شاه از این پسر به عنوان اهرمی برای فشار به خلیفه در جهت نیل به هدف خود استفاده کرد.

- ازدواج فاطمه خواهر سلطان مسعود سلجوقی با خلیفه المقتفی. سلطان مسعود در روابط خود با خلیفه الراشد دچار مشکل شده بود که منجر به تقابل این دو در میدان نبرد شد و سرانجام سلطان مسعود الراشد را شکست داد بغداد را محاصره کرد و وارد بغداد شد. وقتی الراشد از خلافت عزل شد و المقتفی به خلافت رسید این ازدواج صورت گرفت. که می‌توانست ارتباط حسنه‌ای میان سلطان و خلیفه ایجاد کند و خیال دوطرف را نسبت به یکدیگر آسوده کند.



توصیفات و نگاه ظهیری به زنان

ظهیری نیشابوری در کتاب خود در توصیف سلاطین سلجوقی هر چند مختصر آنها را با صفاتی همچون کامکار، مساعد روزگار، با فر و شکوه، حیدر دل، خو بروی، بذله گوی، نیکو روی و ... خطاب می کند. حتی در مواردی برای وزرای حکومت هم صفاتی چون صاحب منظر، مخیر به فضل و علم به کار می برد. اما در توصیف خاتون های دربار هیچ نوع صفتی اعم از خوب یا بد، ظاهری یا اخلاقی به کار نمی برد. تنها زنی که مورخ برخی صفات او را به طور مستقیم بیان می کند ترکان خاتون همسر ملکشاه است که در معرفی او می گوید «در کمال صباحت و ملاحظت و نسبت بلند و حشمت موروثش و قدرت تمام داشت» (ظهیری، ۱۳۳۲: ۳۳). همچنین از بیان اقدامات ترکان خاتون به ویژگی های شخصیتی او همچون جاه طلبی و کیاست وی می توان پی برد. در مورد دیگر بدون اینکه توصیف مستقیمی از مادر سلطان ارسلان بکند با بیان جمله ی «گویی نظام آن مملکت و قوام آن دولت به بقا آن خاتون بود»، می توان دریافت که برای این خاتون احترام قائل بوده است. به جز موارد ذکر شده ، سلجوقنامه اطلاعاتی روشن راجع به خصوصیات اخلاقی و ظاهری خاتون ها به دست نمی دهد. که شاید بتوان این طور توضیح داد که علی رغم تلاش و حضور بانوان در سیاست و اجتماع و خروج از حرمسرا های سلاطین، باز هم فضای مردانه و مذهبی حاکم بر جامعه از یک سو و قبح توصیف خصوصیات جسمانی زنان محترم به جهت حفظ کرامت از سوی دیگر، در رویکرد مردان مورخ بر نگارش و توصیف زنان در آثار خود تاثیر داشته است. و به نظر می رسد که ظهیری نیز از این امر مستثنی نبوده و اگر چه زنان را با القابی چون ناقص عقل و اهل ستر و زیر دست مردان که خواجه نظام ملک به زنان می دهد یاد نمی کند اما با گذر از توصیف صفات زنان دربار و عبور از شرح آنچه آنها در تاریخ سلجوقی انجام دادند به نحوی وزن کمتری برای نقش آفرینی زنان در نظر می گیرد.



نتیجه گیری

در دوران سلطنت سلجوقیان در ایران با توجه به سابقه قبیله ای آنها، زنان فرصت بیشتری برای حضور در عرصه های مختلف پیدا می کنند. سلجوقنامه ظهیری که به تاریخ سلسله سلجوقی می پردازد از زنانِ درباریِ متنفذی نام می برد که در دربار سلجوقی و حوادث زمان خود نقش آفرین داشتند. هر چند تعداد این زنان نسبت به مردان مقتدر هم عصر خود کمتر است اما اقدامات مهم زنانی مانند مادر سلطان ارسلان و نیز ترکان خاتون همسر ملکشاه باعث شد مورخ هر چند مختصر و گذرا نام آنها را در تاریخ سلجوقیان ثبت کند.



منابع

- بیانی، شیرین، زن در ایران عصر مغول، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- راوندی، محمد بن علی، به تصحیح اقبال، محمد؛ راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، نشر امیر کبیر، تهران ۱۳۶۴.
- ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین، خبیصی، محمد ابراهیم؛ کلاله خاور، ۱۳۳۲.